



Cultural engineering, cultural aggression, soft power and globalization with a focus on the role of women and the jihadi life pattern

Sasan Bavi^{1*}

1- Assistant Professor, Department of Psychology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

Abstract:

Every development requires change, and the development process will not take place without profound changes in cultural and social structures. The development of the process of material and spiritual upliftment of the society is in line with the desired goals and objectives, which provides suitable grounds for the all-round excellence of human beings. In our time, development is a great goal that has been considered by politicians in Iran and other countries and many efforts have been made to achieve it, but in the meantime, little attention has been paid to the serious presence of women as one of the important pillars of development. In this research, cultural development requires accepting the attraction of people in the society on the one hand and their continuous education on the other hand. This acceptance and absorption occurs if people consciously accept it and find it beneficial for themselves. The method used in this research is library study and collection and analysis of materials. In this research, we have studied cultural engineering, cultural invasion, soft power and globalization with a focus on the role of women and jihadi life pattern and to achieve the goal We need serious thought and action that has a humane direction and is inspiring to solve gender issues, and understands the future of society and the needs of men and women at any age and makes every effort to fulfill these needs. The results showed that it is important to pay attention to the role of women and their capacities and talents in the spiritual and cultural empowerment of society

Review History:

Received: 17 May 2025

Revised: 12 Jun 2025

Accepted: 13 Jun 2025

Available Online 15 Jun 2025

Keywords:

Cultural Engineering

Cultural Invasion

Soft Power

Globalization

The Role of Women

Jihadi Life Pattern.

How To Cite This Article:

Bavi, S. (2025). Cultural engineering, cultural aggression, soft power and globalization with a focus on the role of women and the jihadi life pattern. *Strategic Studies of Women, Defense and Peace*, 2(4) 1-18 (In Persian)



*Corresponding author's email: sasanbavi@gmail.com



Copyrights for this article are retained by the author(s) with publishing rights granted to Iran Sacred Defense Scientific Association. The content of this article is subject to the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License. For more information, please visit <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>



مهندسی فرهنگ، تهاجم فرهنگی، قدرت نرم و جهانی شدن با محوریت نقش زنان و الگوی زندگی جهادی

ساسان باوی^{۱*}

۱- استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، اهواز، ایران

چکیده:

تاریخچه داوری:

دریافت: ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۴
بازنگری: ۲۲ خرداد ۱۴۰۴
پذیرش: ۲۳ خرداد ۱۴۰۴
ارائه آنلاین: ۲۵ خرداد ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

مهندسی فرهنگ
تهاجم فرهنگی
قدرت نرم
جهانی شدن
نقش زنان

الگوی زندگی جهادی.

هر توسعه ای مستلزم تغییرات است و فرآیند توسعه بدون تغییرات عمیق در ساختارهای فرهنگی و اجتماعی، محقق نخواهد شد. توسعه فرایند ارتقاء و اعتلای مادی و معنوی جامعه در راستای اهداف و مقاصد مطلوب است که زمینه های مناسب را برای تعالی همه جانبه انسان ها فراهم می سازد. در عصر ما توسعه هدفی والا است که در ایران و دیگر کشورها مورد توجه سیاست مداران مجریان امور بوده و کوششهای بسیاری در زمینه تحقق آن صورت پذیرفته است اما در این میان توجه چندانی به حضور جدی زنان، به عنوان یکی از ارکان مهم توسعه نشده است. در این تحقیق توسعه فرهنگی نیازمند قبول جذب افراد جامعه از یک سو و آموزش مستمر آن ها از سوی دیگر است. این قبول و جذب در صورتی رخ می دهد که افراد آگاهانه آن را بپذیرند و برای خود سودمند بدانند. روش مورد استفاده در این پژوهش مطالعه کتابخانه ای و گردآوری و تحلیل مطالب می باشد، ما در این پژوهش به بررسی مهندسی فرهنگ، تهاجم فرهنگی، قدرت نرم و جهانی شدن با محوریت نقش زنان و الگوی زندگی جهادی پرداخته شده است و برای رسیدن به هدف های توسعه، به اندیشه و اقدامی جدی نیاز داریم که جهتی انسانی داشته و برای حل مسائل جنسیت الهام بخش باشد و آینده جامعه و نیازهای مردان و زنان را در هر سنی درک کند و برای تحقق این نیازها، همه مساعی خود را به کار گیرد. نتایج نشان دادند که توجه به نقش زنان و ظرفیتهای و استعدادهای آنان در توانمند سازی معنوی و فرهنگی جامعه دارای اهمیت است.

برای ارجاع به این مقاله از عبارت زیر استفاده کنید:

Bavi, S. (2025). Cultural engineering, cultural aggression, soft power and globalization with a focus on the role of women and the jihadi life pattern. *Strategic Studies of Women, Defense and Peace*, 2(4) 1-18 (In Persian)



* نویسنده عهدهار مکاتبات: sasanbavi@gmail.com



مقدمه

از همان زمان که تاریخ حیات بشر رقم خورد، زنان پایه‌پا و همدوش مردان در تمام عرصه‌های زندگی حضور داشتند. زنانی که استمرار حیات بشریت به دست آنان رقم می‌خورد و مفتخر به تربیت مردان بزرگ تاریخ بوده‌اند؛ همواره سهم بسزایی در تأثیرگذاری بر تمامی شؤون اجتماعی و سیاسی داشته‌اند. ادیان الهی بر نقش زنان در صحنه‌ی خانوادگی و اجتماعی تأکید کرده و او را مکمل مردان در نقش‌آفرینی جهت سیر تمدن بشری می‌شناسند. مکتب اسلام در پرتو راهنمایی‌های قرآن و سنت نبوی و عترت رسول مکرم اسلام به زن آن‌چه را که شایسته‌ی او بود اعطا نمود؛ و شرایط را به گونه‌ای فراهم آورد که زن بتواند با حفظ شؤون اسلامی و انسانی و با توجه به استعدادهای به ودیعت گرفته‌شده، در تمام میدان‌ها که نیاز به حضور اوست نقش ایفا کند (لاریجانی و همکاران، ۱۳۹۷).

امروزه نقش مؤثر زنان در مقابله با تهاجم فرهنگی و پیشگیری از انحرافات اجتماعی بر کسی پوشیده نیست زیرا زنان در فرهنگ سازی بیشترین نقش را دارند و همین نقش مؤثر و کلیدی، موجب شد که نوک تیز حمله دشمن در جهانی شدن و استحاله فرهنگی متوجه زنان جامعه گردد. آنان به خوبی دریافتند که اگر موفق به تغییر فرهنگ زنان یک قوم گردند، می‌توانند تمامیت فرهنگ آن جامعه را متأثر کرده و تغییر دهند. از این رو دشمن تمامی تلاش خود را مصروف تغییر فرهنگ زنان جامعه ما نمود و بر همگان روشن است همان طور که زنان قادر به سازندگی فرهنگ خانواده و جامعه می‌باشند به همان نسبت توان تخریب فرهنگ جامعه را دارند و طبیعی است که زنان جامعه از عمده ترین و تأثیرگذارترین عناصر مقابله با تهاجمات فرهنگی، می‌باشند (ابوالحسنی و نجاتی منفرد، ۱۳۹۰).

در کنار عوامل متعدد و متنوع سخت‌افزاری، عوامل غیرمادی و به اصطلاح "نرم"، همواره تأثیری تعیین‌کننده در نتیجه رقابت‌ها و چالش‌ها دارند. تشخیص صحیح زمان، مکان و نحوه مواجهه امری است که در گرو اعتماد ناشی از تسلط بر قوای موجود و در دسترس می‌باشد. "اعتماد" را می‌توان خروجی نظامی مستقر و تثبیت‌شده دانست که امکان بقای توأم با پویایی را برای سیستم فراهم می‌سازد. تهاجم فرهنگی به مثابه یک چالش فقط زمانی می‌تواند برای نظام جمهوری اسلامی مثمر ثمر واقع گردد که حضور فرهنگی خود را مبتنی بر مباحثی چون مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی شفاف و مستند ساخته باشد (اشکیان، ۱۳۹۵). یافتن روشی برای استمرار شیوه گذشته استعمارگران در استثمار کشورهای مستعمره، دغدغه‌ای بود که مدام در اندیشه سلطه‌گران پرورنده می‌شد. در همین چارچوب بود که تهاجم اروپاییان از حالت نظامی تغییر کرد و رنگ و بوی فرهنگی یافت. از این در این پژوهش، به بررسی نقش محوری زنان در مهندسی فرهنگ، تهاجم فرهنگی، قدرت نرم و جهانی شدن پرداخته شده است.

مبانی نظری

مهندسی فرهنگی

مهندسی فرهنگی، در حقیقت تلاش در جهت تقویت اجزای اصلی فرهنگ اسلامی و ملی کشور و پاسداشت آن در برابر نفوذ و تأثیر فرهنگ مخرب غربی در پرتو چینش مناسب و تعیین جایگاه صحیح تمامی ابعاد و ویژگی‌های فرهنگی جامعه ماست و دستیابی به نتیجه در خور این تلاش‌ها، نیازمند طرح مهندسی فرهنگی می‌باشد (اینگیونک^۱، ۲۰۱۸).

گفتمان فرهنگ نزد مقام معظم رهبری، برترین گفتمان تلقی می‌شود. مهندسی فرهنگی در حقیقت بیانگر تلاش رهبر معظم انقلاب و نهادهای مسئول به منظور ارتقای فرهنگ اسلامی — ملی در کشور، جلوگیری از ایجاد بحران‌های فرهنگی و هویتی، ممانعت از نفوذ فرهنگ غربی به ایران، تحقق آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی، رشد کیفی شاخص‌های فرهنگی در کشور و نوسازی فرهنگی کشور می‌باشد. در حقیقت دستیابی به این اهداف نیازمند مهندسی فرهنگی و مدیریت راهبردی فرهنگی است. مهندسی فرهنگی عبارت است از طراحی، نوسازی و بازسازی سیستم فرهنگ. مهندسی فرهنگی کشور به مفهوم مهندسی کلان کشور، نظام‌ها، سازمان‌ها، سیاست‌ها، قوانین و سازوکارها به معنای اهداف فرهنگی می‌باشد (پیروسی و شیرخانی، ۱۳۹۸).

^۱ InGunek

با توجه به اینکه مهندسی فرهنگی، با انسان‌ها و پیچیدگی‌های انسانی و جوامع سروکار دارد، باید با روش آکادمیک با مبانی دینی، رفتاری، زبانی، ملی، فرهنگ کلان، خرده‌فرهنگ‌ها، مقتضیات داخلی و بین‌المللی مواجه گردد. این مسأله نیازمند پیمودن مراحل مختلفی در زمینه مهندسی فرهنگی می‌باشد. این مراحل عبارت‌اند از: شناخت عمیق مبانی، توانایی‌ها و پتانسیل‌ها، پاتولوژی فرهنگی و تعریف مفاهیم اصلی و اصول مدیریتی شامل شناخت دستگاه‌های فرهنگی، لزوم تغییر و تحول در این دستگاه‌ها و افزایش بودجه آن‌ها (جهانی، ۱۳۹۲).

تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی جنگ نابرابرانه و غافلگیر فرهنگ غرب علیه ملت‌ها و ارزش‌های فرهنگی به خصوص ایدئولوژی اسلام و انقلاب اسلامی است. در تعریف پدیده ی تهاجم فرهنگی دیدگاه حضرت آیت الله خامنه ای، رهبر معظم انقلاب، قابل توجه است. از نظر ایشان تهاجم فرهنگی عبارت است از: «تهاجم فرهنگی یک مجموعه ی سیاسی یا اقتصادی، برای رسیدن به مقاصد خاص خود و اسارت یک ملت، به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد. در این هجوم، باورهای تازه ای را به زور و به مقصد جایگزینی بر فرهنگ و باورهای ملی آن ملت وارد کشور می‌کنند» (رضایی و اجدادی، ۱۳۹۵).

تهاجم فرهنگی جریان دقیق و پنهان از قبل برنامه ریزی شده که با به کارگیری روش‌ها و شیوه‌های متعدد و عناصر و مظاهر جذاب برای سست کردن اعتقادات و انحراف افکار، تقویت ارزش‌های کاذب، از بین بردن آداب و سنن ملی و دینی و نابودی هنجارها و سمبل‌های اخلاقی جامعه توسط استعمارگران جهانی طرح می‌شود (دهقانی و کیوانی، ۱۳۹۶).

تهاجم فرهنگی عبارت از پوچ و پوک و تهی کردن تفکر و ذهنیت و فرهنگ و تمدن ملی و اصیل یک جامعه و تضعیف شخصیت انسانی افراد با تحمیل ترس و هراس دائم و القای اصول فکری و تحمیل فرهنگ کشور مهاجم به جای آن این جز از دست دادن خویشتن و پایه‌های فکری و اخلاقی اصیل و ملی صورت نمی‌گیرد.

طراحان تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی از ناحیه دشمنان اسلام به صورت عام و دشمنان انقلاب اسلامی به صورت خاص است در قرآن کریم به انواع دشمنان اشاره می‌کند. به طور کلی به سه گروه تقسیم می‌شود. گروه اول: دشمن ایمانی (شیطان و بعضی از همسران و فرزندان)؛ گروه دوم: دشمنان خارجی سیاسی (یهود مشرک، کافر)؛ گروه سوم: دشمنان داخلی سیاسی (منافق) است. دشمنان عصر حاضر اسلام و انقلاب اسلامی استعمار و اشتکبار جهانی به خصوص آمریکا و رژیم صهیونیست است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۴).

مراحل تهاجم فرهنگی

با طرح این مطالب می‌توان گفت که در تهاجم فرهنگی سه مرحله تمایز به شرح زیر وجود دارد:

الف- القای فرهنگ خودی: هدف از این مرحله قطع رابطه فرهنگی مردم با گذشته پرافتخار خویش است. این مرحله با ظرافت و دقت طراحی و اجرا می‌شود. فرق اساسی آن با تهاجم نظامی، مشخص نبودن چهره مهاجم است. افرادی که قبلاً تعلیم دیده‌اند با القای شبهات و وسوسه‌های شیطانی، مردم را نسبت به میراث علمی و فرهنگی خویش بی‌اعتنا و دلسرد می‌کنند. برای مثال، ملت ایران در گذشته مفاخری در دانش طب داشت که از آن جمله می‌توان به ابوعلی سینا اشاره کرد. آثار ارزشمند وی چون قانون ده‌ها بار در اروپا تجدید چاپ، و سال‌ها در مراکز علمی آن‌ها تدریس شده است. اما مهاجمان فرهنگی در اذهان مردم طب قدیم را با خرافه هم‌ارز کرده بودند. دشمن برای رسیدن به اهدافش در این مرحله اقداماتی از قبیل دین‌زدایی، تغییر خط و زبان و تحقیر فرهنگی را مورد توجه قرار داده است (دهقانی و کیوانی، ۱۳۹۶).

ب- القای فرهنگ بیگانه: در اجتماعی که ارزش‌های فرهنگی آن فراموش شوند، مفاخر فرهنگی به عنوان الگو و اسوه مورد توجه قرار نگیرند، باورها و ارزش‌های دینی سست گردند، ویژگی‌های استقلال فرهنگی مانند دین، زبان، خط،... از بین بروند یا تحقیر شوند، و روحانیت و رهبران دینی منزوی گردند، زمینه برای پذیرش ارزش‌ها و الگوهای دیگران آماده می‌شود. در چنین جامعه‌ای به راحتی می‌توان فرهنگ بیگانه را ترویج کرد. نگاهی به بعضی از کشورهای همسایه یا مروری به وضع اجتماعی

کشورمان در دوران پهلوی نشان می‌دهد که چگونه ارزش‌های غربی، به سهولت جانشین ارزش‌های اصیل اسلامی می‌شود (دهقانی و کیوانی، ۱۳۹۶).

ج- تثبیت فرهنگ بیگانه: به کار گماردن افراد وابسته و ایجاد نهادها و تأسیسات مختلف بین‌المللی و ملی و در رأس آن‌ها ایجاد دولت‌های وابسته، از کارهایی است که در این مرحله انجام می‌شود. بنابراین ایجاد مؤسسات فرهنگی بین‌المللی مانند سپاه صلح، باشگاه‌های لاینز و روتاری را باید با دید سیاست تثبیت فرهنگی ارزیابی کرد. در سطح ملی نیز روی کار آوردن دولت‌های وابسته و اقدام‌هایی نظیر تأسیس مدارس به سبک غربی، رواج بی‌حجابی و آداب و رسوم غربی و اقدام‌هایی مشابه تحت عناوینی چون اصلاحات، مدرنیسم، نوسازی و... با حمایت و قدرت دولت وابسته، از این گونه هستند؛ شیوه‌ای که در زمان حکومت رضاخان و پسرش، محمدرضاشاه، دقیقاً در پیش گرفته شد. استعمار می‌خواهد فرهنگ را، که عامل مقاومت در برابر سلطه بیگانه است، از حالت پویا به حالت ایستا درآورد. در این صورت برای مقاومت و مبارزه در برابر این سلطه، ملت‌های زیر سلطه متوجه ریشه خویش می‌گردند؛ یعنی از همان جایی شروع می‌کنند که استعمار آن را ویران کرده و این مبارزه‌ای است که از فرهنگ جامعه آغاز می‌شود (دهقانی و کیوانی، ۱۳۹۶).

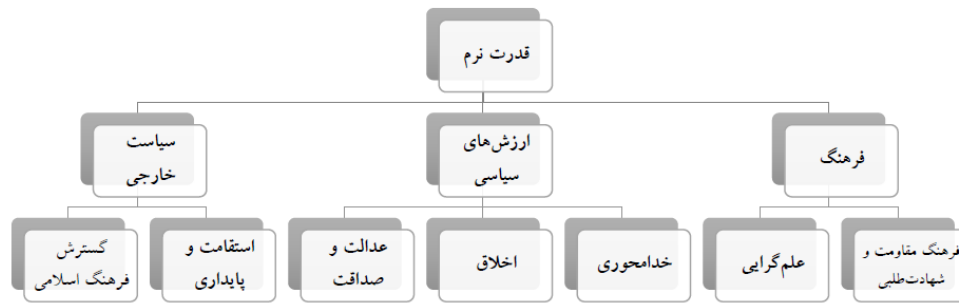
قدرت نرم

قدرت نرم، امپریالیسم فرهنگی و به تعبیر گرامشی "هژمونی فرهنگی" سه مفهوم قریب و دارای حوزه معنایی کم و بیش مشترکی هستند. این قدرت معمولاً درمقابل قدرت نظامی و تسلیحاتی و به عبارتی قدرت سخت و خشن به کار می‌رود (). قدرت نرم اشاره به توانایی رسیدن به اهداف مورد نظر از طریق جذب دیگران به جای استفاده از زور دارد (). قدرت نرم رابطه‌ای تعاملی و دوسویه بین عامل و موضوع قدرت است که در آن عامل قدرت بدون بهره‌گیری از ابزارهای اجبارآمیز، خشن و تهدید از ابزار متقاعدکردن و جاذبه خالص استفاده می‌کند (). قدرت سخت و نرم را می‌توان دو سر طیفی از قدرت تلقی کرد که مستلزم ایده‌ها، تعاملات و نهادهایی متفاوت در زمینه‌های سیاست، امنیت و اقتصاد هستند. به عبارتی، راهبرد قدرت سخت بر دخالت نظامی، دیپلماسی قهرآمیز و تحریم‌های اقتصادی در جهت تحمیل علائق ملی تمرکز دارند که موجب سیاست‌های برخورد در برابر کشورهای همسایه می‌شود، درحالی‌که قدرت نرم بر ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، ابزارهای صلح‌آمیز مدیریت منازعات و همکاری اقتصادی به منظور دستیابی به راه حل‌های مشترک تأکید دارد (پوروشوتمان^۲، ۲۰۱۰). بنابراین، قدرت نرم به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌های کشور اطلاق می‌شود که با بهره‌گیری از ابزارهایی چون فرهنگ و ارزش‌های اخلاقی به صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتار یا موجودیت دیگر کشورها اثر می‌گذارد (نیاکویی و ستوده، ۱۳۹۳).

منابع و مؤلفه‌های قدرت نرم در ایران

سرچشمه عمده قدرت نرم، از ایمان به جمهوری اسلامی و ارزش‌هایی چون ایثار، شهادت طلبی، معنویت‌گرایی، ولایت مداری و استقلال طلبی نشئت می‌گیرد. به اعتراف ناظران، قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظام برآمده از آن نه تنها در کشورهای اسلامی، بلکه در سایر کشورها هم تأثیرگذار بوده است. ازسوی دیگر، باتوجه به آنکه انقلاب اسلامی ایران مولود قدرت نرم است، درراستای سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، جمهوری اسلامی ایران می‌باید در جهان اسلام الهام‌بخش، فعال و مؤثر باشد و با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای، براساس تعالیم و اندیشه‌های امام خمینی(ره) تأثیر بگذارد. به همین منظور، ازآنجا که ایران با کشورهای غرب آسیا (خاورمیانه) و جهان اسلام روابط فرهنگی، تاریخی، سیاسی و اقتصادی دیرینه دارد، با بهره‌گیری از قدرت نرم و تقویت مؤلفه‌های آن می‌تواند به منافع ملی دست یابد (نیکامی، ۱۳۹۸).

² Purushothaman



شکل ۱- منابع و مؤلفه های قدرت نرم در جمهوری اسلامی

جهانی شدن

جهانی شدن افزایش شمار پیوندها و ارتباطات متقابلی است که از دولت‌ها (و در نتیجه فراتر از جوامع) دامن می‌گستراند و نظام جدید جهانی را می‌سازد (هیوچن^۳ و همکاران، ۲۰۱۲). گفتمان جهانی‌شدن سرشار است از استعاره‌های مربوط به همجواری جهانی، استعاره‌های مربوط به یک «دنیای در حال آب رفتن»: از استعاره مشهور «دهکده جهانی» مک لوهان گرفته تا اصطلاح اخیر «همسایگی جهانی ما» که سازمان ملل متحد برای توصیف یک بافت جهانی — سیاسی نوظهور به کار برده است. تمام این استعاره‌ها و تصویرها، معنای خود را در مورد نزدیکی فزاینده جهانیان، دقیقاً از گسترش و بسط وجوه متفاوت ارتباط می‌گیرند (اونگور^۴، ۲۰۱۰).

ما در واژه جهانی شدن با فرایند «شدن» سروکار داریم؛ فرایندی که بسیاری از پدیده‌ها را دستخوش تغییر، تبدیل و تأثیرپذیری کرده است (اسمیت^۵، ۲۰۱۰). بنابراین، جهانی‌شدن فرایندی است که با دربرگرفتن همه ابعاد زندگی، ذهنیت‌ها و عینیت‌ها را تحول بخشیده و با انسجام ارگانیک جهان و تبدیل آن به «ما»ی بزرگتر، تمایل فرهنگ‌ها به اقتباس از یکدیگر را به ارمغان می‌آورد. بدیهی‌ترین شاهی که بر این ادعا وجود دارد «همگرایی» و استاندارد شدنی است که در کالاهای فرهنگی اطراف و اکناف جهان می‌بینیم. هر شاخصی را بگیریم، از لباس و غذا و موسیقی و فیلم و تلویزیون گرفته تا معماری، در آنها همسانی به چشم می‌خورد و این واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت که اکنون برخی سبک‌ها، برچسب‌ها، سلیقه‌ها و راه و رسم‌ها رواج جهانی یافته‌اند و عملاً در همه جای جهان دیده می‌شوند. فرودگاه‌های بین‌المللی — این دروازه‌هایی که علی‌القاعده باید ما را به تنوع فرهنگی رهنمون شوند — نمونه‌های بارز (هرچند نسبتاً ویژه) این نوع «همانگی فرهنگی» هستند: نمونه‌هایی که در سراسر جهان تقریباً یکسانند (اسمیت، ۲۰۱۰). در این میان، عده‌ای از متفکران اجتماعی بر این باورند که غرب با بهره‌گیری از فناوری‌های مختلف؛ بخصوص تکنولوژی ارتباطات ماهواره‌ای و دیجیتالی و ارائه آن به دیگر کشورها، در مسیر سردمداری تمدن اطلاعاتی و سیطره‌جویی بر سایر کشورها قرار گرفته و از رهگذر یکسان‌سازی فرهنگی و یکپارچه‌سازی ارزشی، فرهنگ استعلایی خود را بر دیگر کشورهای جهان می‌گستراند (برگلز^۶، ۲۰۱۰).

یکپارچگی جهانی، پدیده‌ای بیرونی و مربوط به نظام‌های بزرگ، میدان‌های بازار جهانی یا صرفاً روندی تأثیرگذار بر ملت‌ها نیست، بلکه پدیده‌ای ذاتی نیز هست و تأثیر آن را باید در مقیاس‌های کلان، میانی و خرد مورد توجه قرار داد. زندگی، شخصیت، هویت، هیجان‌ها و روابط مردم با یکدیگر، با روند یکپارچگی جهانی تغییر شکل می‌دهند و حالت جدید می‌گیرند؛ چون یکپارچگی جهانی، فرهنگ محلی و محتوای زندگی محلی را مورد تهاجم قرار می‌دهد و ما را مجبور می‌کند تا به صورتی بازتر، انعطاف‌پذیرتر و فردی‌تر زندگی کنیم. برای مثال، این فرایند می‌تواند از طریق انتقال فرهنگی، موجب تضعیف هویت محلی گردد؛ زیرا در طی آن، فرهنگ‌های گوناگون تسلیم تهاجم تلویزیون، زبان انگلیسی، گردشگری جهانی، عقاید مربوط به حقوق بشر جهانی، مصرف‌گرایی و سایر مداخله‌های فوق حاکمیتی می‌گردند که با سنت‌های محلی مغایرت دارد.

³ Huu Chen

⁴ Ongur

⁵ Smith

⁶ Berglez

پیامدهای جهانی شدن

جهانی شدن دارای پیامدهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. در بعد اقتصادی، گسترش فعالیت های شرکت های چند ملیتی و گرایش جهان کالا و سرمایه ضرورت یکسان سازی قوانین تجارت در سطح جهانی قابل تامل است. در عرصه سیاسی، تغییر جایگاه دولت به عنوان مهم ترین سازمان سیاسی در جوامع انسانی بیش از هر موضوع دیگری مورد توجه قرار می گیرد. در بعد فرهنگی جریان جهانی شدن، نهادهای فرهنگی به واسطه تکنولوژی ارتباطی - رسانه های جمعی الکترونیکی و غیر الکترونیکی جریان های مهاجرت توریسم و جنبش های اجتماعی جهانی و.. محتوای زندگی افراد را در سطح جهانی متحول ساخته است. جهانی شدن به معنای یکی شدن فرهنگ ها با فرهنگ غربی نیست. غرب یک ساختار تاریخی است نه یک ساختار جغرافیایی. غرب جامعه ایست توسعه یافته، صنعتی مدنی سرمایه داری سکولار و مدرن. (لطفی، ۱۳۸۹).

تأثیر جهانی شدن بر فرهنگ

اکنون بدون آنکه متوجه باشیم در حال عبور از دنیای انزوای فرهنگی به دنیایی هستیم که در آن روابط میان فرهنگی حاکم است و از دورانی که مشخصه آن استقلال فرهنگی جزیره ای بود، به دوران تعمیم روابط متقابل و ارتباطات قدم میگذاریم. در حقیقت جهانی شدن فرهنگ، مرحلهای است که گفته می شود حالت نهایی جهانی شدن اقتصاد است، و بعد سیاسی، فرهنگی، مذهبی و ایدئولوژیکی پدیدههای است که اغلب از زاویه اقتصادی، جغرافیایی و سیاسی به آن مینگرند (خواجه نوری و پرنیان، ۱۳۹۴). جهانی شدن فرهنگی را نیز می توان دربرگیرنده فرایندها و عواملی دانست که هرگونه محدودیت فرهنگی زندگی اجتماعی را تعدیل میکند و از میان برمیدارد. جهانی شدن فرهنگی عبارت است از شکل گیری و گسترش فرهنگی خاص در عرصه جهانی. این فرایند موجی از همگونی فرهنگی را در جهان پدید می آورد و همه خاص های فرهنگی را به چالش می طلبد. در حقیقت امروزه، گسترش وسایل ارتباط جمعی به مردم کشورهای مختلف، بیش از هر زمان دیگر، فرصت آشنایی و شناخت ویژگی های فرهنگی جوامع دیگر را می دهد و این امکان فراهم شده است تا فرهنگ ها، آداب و رسوم مختلف از مرزهای محدود ملی رها شوند و بدین ترتیب ارزش های مشترک جهانی در حال شکل گیری است (توسلی و قاسمی، ۱۳۹۳). جهانی شدن فرایندی طبیعی است اگر به صورت طبیعی شکل گیرد. تأثیرات مثبت و منفی آن تقریباً برابری میکند و حتی شاید آثار مثبت غلبه داشته باشد.

جهانی شدن تأثیرات متنوع ذیل را می تواند در کشورهای جهان سوم بر جای گذارد:

- ۱- تعامل میان نخبگان فکری این جوامع با جوامع توسعه یافته به سهولت و آسانی انجام شود
- ۲- سبب توسعه فرهنگی در این جوامع می شود؛ زیرا فرهنگ از تعامل و ترکیب بسط پیدا می کند و چون در تعامل معمولاً فرهنگ ها ویژگی های مشترک را با هم مبادله می کنند و از تفاوت های فرهنگی مثبت هم بهره می گیرند، این مسئله سبب تکامل فرهنگی می گردد.
- ۳- سبب رشد و توسعه نیروی انسانی می شود. اکنون بعضی از ملت ها، به دلیل رشد و پیشرفت علمی و تکنولوژیکی، نیروی انسانی آموزش دیده تر و تواناتری دارند، ولی بعضی دیگر در مراحل اول این رشد علمی هستند. تعامل این کشورها سبب می شود ملت هایی که نیروی انسانی ضعیف تری دارند، مثل جهان سوم، با استفاده از تجربیات و توانایی کشورهای پیشرفته، در جهت رشد نیروی انسانی حرکت کنند.
- ۴- باعث تقویت هویت های بومی این کشورها می شود؛ زیرا هویت در مقایسه با غیر ساخته و تعریف می شود و مطمئناً کشورهای جهان سوم، با گسترش ارتباطات، تفاوت خود را با کشورهای توسعه یافته درک و به شباهت های میان خود و آنها پی می برند و این سبب همگرایی میان کشورهای جهان سوم می شود.
- ۵- فرایند جهانی شدن، درعین حال که متضمن فرهنگی جهانی است، زمینه و امکان عرض اندام فرهنگ های دیگر را فراهم می کند. در فضای جهانی شدن، اشکال معنادار پدیدآمده از منابع تاریخی متفاوت، که در اصل به فضاهای جداگانه ای تعلق دارند، می توانند جایگاهی پیدا کنند. بنابراین فرایند جهانی شدن که دربرگیرنده عامیت و همگونی است و همه فضاهای بسته فرهنگی را فرو می ریزد و خاص ها را از میان برمی دارد، زمینه مناسبی برای

بازسازی و احیای خاص های گوناگون ایجاد می کند و اسباب تنوع، واگرایی و رستاخیز فرهنگی را فراهم می سازد که این همان خاص گرایی فرهنگی است (محمدی، ۱۳۹۳).

پیشینه پژوهش

در داخل و خارج از کشور پژوهش هایی که به طور اخص به بررسی نقش زنان در مهندسی فرهنگ، تهاجم فرهنگی، قدرت نرم و جهانی شدن پرداخته باشند، کمیاب اند. عمده مطالعات انجام شده که آن نیز اندک هستند، تنها به بررسی بخشی از نقش زنان و یا یکی از مؤلفه های فرهنگی پرداخته اند؛ ضمن آنکه تعدادی از مطالعات داخلی انجام شده در این حوزه جنبه ای کتابخانه ای و مروری دارند. غلامی نژاد (۱۳۹۷)، به تبیین جایگاه زنان به عنوان یکی از زیرساخت های اصلی فرهنگ؛ با بهره گیری از تفاسیر مختلف به تحلیل آیه ۳۵ سوره احزاب پرداخت. نتایج حاصله با استفاده از مفهوم کلی آیه بیانگر این است که زنان در عرصه فرهنگی نقش محوری دارند، به گونه ای که در این آیه به تساوی نقش زنان و مردان در عرصه های فرهنگی و معنوی به وضوح اشاره شده است. فلاح و رفیع (۱۳۹۵)، به آسیب شناسی نقش زنان در برابر با تهاجم فرهنگی و چگونگی مقابله با آن پرداختند. در این تحقیق، آموزش، آگاهی دادن به زنان، و توانمند کردن آنان در پرتو فرهنگ غنی اسلامی به عنوان راهکاری جهت مقابله کردن با تهاجم فرهنگی از سوی زنان مطرح می شود. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی بوده و در پی دستیابی به این سوال می باشد که چه راهکارهایی جهت مقابله با تهاجم فرهنگی از سوی زنان وجود دارد و نتیجه گیری شده است که توانمند سازی زنان در عرصه های مختلف سیاسی و فرهنگی و اجتماعی در پرتو تعالیم اسلامی از راههای مقابله با تهاجم فرهنگی از سوی زنان می تواند مطرح گردد. خواجهی (۱۳۹۴)، به بررسی نقش زنان در توسعه فرهنگی و اهمیت این موضوع پرداخت. به این نتیجه دست یافت که باید در جهت سازماندهی مناسب زنان، توانمند ساختن آنها، توجه به منافع و سهم آنها در جریان توسعه و برخورداری از مواهب توسعه، برنامه ریزی لازم صورت پذیرد. خواجه نوری و همکاران (۱۳۹۲)، به فرایند جهانی شدن فرهنگی و نگرش مردان به نقش زنان در جامعه پرداختند. در این پژوهش، ترکیبی از نظریه های گیدنز و رابرتسون به منزله چارچوب نظری استفاده شده است. ۳۸۳ نفر از مردان شهر شیراز با روش نمونه گیری تصادفی سهمیه ای چندمرحله ای برای پاسخگویی به پرسش ها انتخاب و اطلاعات لازم از این گروه گردآوری شده است. نتایج بیانگر آن بود که متغیرهای بازاندیشی، سبک زندگی ورزشی، سبک زندگی علمی فرهنگی، آگاهی از جهانی شدن، و فناوری های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی با نگرش مدرن مردان به نقش زنان رابطه معنادار مثبت، ولی سبک زندگی سنتی و وسایل ارتباط جمعی داخلی رابطه منفی داشته اند. همچنین، متغیر بازاندیشی با نگرش سنتی به نقش زنان رابطه منفی، ولی سبک زندگی سنتی و سبک زندگی ورزشی رابطه مثبت داشته اند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع «تحقیقات بنیادی» است. روش مورد استفاده در این پژوهش روش تحلیل محتوای کیفی است (نک؛ دیدگاه؛ شریعتی؛ بهشتی؛ ایمانی نایینی، ۱۳۹۷) که برای تجزیه و تحلیل اطلاعات به منظور درک معنای شخصیت و استخراج مؤلفه ها و عناصر تشکیل دهنده آن در منابع به کار گرفته شده است. داده های کیفی تحقیق، حاصل تجزیه و تحلیل مطالعات مشابه و نظریه های روانشناسی و گزاره های مفهومی منتج از آنها ارائه شده است. سپس یافته های حاصل از روش تحلیل محتوا برای استخراج مفاهیم مورد نظر استنباط شده که در نهایت با ترسیم ابعاد تشکیل دهنده و آسیب شناسی و ارائه راهکارهای بهبود خاتمه می یابد.

یافته های پژوهش

آرمان ها و الگوی اسلامی حضور زنان در اجتماع

یکی از گام های اساسی در حوزه مهندسی فرهنگی، ارجاع به ارزش ها و اصول حاکم بر کشور ایران، خصوصاً دیدگاه های اسلامی است تا با شناسایی دقیق آرمان ها، در اولویت بندی اهداف از آن استفاده کرد. لذا اولین سؤال این پژوهش مربوط به اندیشه آرمانی نقش آفرینی زنان در جامعه است، اینکه ارزش های بنیادین اسلام در خصوص فعالیت های اجتماعی زنان چیست؛

در شرایط کنونی لازم است تا با پاسخگویی به این موارد الگویی صحیح و شایسته برای زنان ایرانی تعریف شود. الگویی که مبنای اصلی آن بر پایه آموزه های دینی ما بنا شده است. آموزه هایی که بر پایه عدالت و سعادت بشری رقم خورده اند. زیرا در هر حوزه ای که الگوسازی و هنجارسازی اصولی و شایسته ای وجود نداشته باشد، افراط و تفریط به میان می آید و مشکلات و عواقب متعددی را به دنبال خواهد داشت. الگوهای آرمانی اسلامی - ایرانی عبارتند از:

- ارزش نقش آفرینی زنان در حوزه خانواده

براساس اندیشه های اسلامی مهمترین وظایف زنان در خانواده تعریف می شود که این موارد شامل ارزش همسری و مادری کردن است زیرا زنان پرورش دهندگان آینده سازان جامعه هستند و باید هدف اصلی شان آنان تربیت نسل آینده باشد. از منظر اسلام نیز وظیفه مادری جایگاه والایی دارد، "در روایات افزون بر ترغیب به حق شناسی و قدردانی فرزندان نسبت به مادران، جایگاه بلند مادری را توصیف می کنند که بهشت از زیرپای مادران می روید و می بالد. همچنین در آموزه های اسلام ارزش گذاری در مورد نقش و کارکردهای مادری چنان متعالی است که قابل جایگزینی نمی باشد (لاریجانی و همکاران، ۱۳۹۸).

- به رسمیت شناختن نقش آفرینی زنان در اجتماع

در اندیشه اسلامی، در آیات و احادیث متعدد، فعالیت های اجتماعی زنان در جامعه به رسمیت شناخته شده است؛ به عنوان مثال در سوره توبه آیه ۷۱ آمده است: مومنین و مومنات در حفظ مجموعه نظام اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر همه سهیم و شریکند.

تأملی بر آیات و روایات و سیره جاری مسلمانان نیز نشان می دهد که حق اشتغال زنان به رسمیت شناخته شده است. تأیید حق مالکیت زنان بر اموالشان «للرجال نصيب مما اكتسبوا و للنساء نصيب مما اكتسبن» (نساء، ۳۲). برای مردان و زنان از آنچه کسب کرده اند بهره ای است، مستلزم جواز اشتغال زنان و حلال بودن درآمد حاصله از آن است (. از آیاتی چون «و ابتغوا من فضل الله، (جمعه، ۱۰) (از فضل خدا جویا شوید)، «هو أنشأكم من الأرض و استعمرکم فیها» (هود، ۶۱) (او شما را از زمین پدید آورد و برای آباد کردن آن بر شماست). معلوم می شود این آیات به طور عام مردان و زنان را به سوی کار و آبادانی زمین تشویق و ترغیب می کند. افزون بر این در قرآن کریم از دختران حضرت شعیب (ع) پیامبر الهی، یاد کرده که به کار چوپانی اشتغال داشته اند (قصص، ۲۳). بر حسب روایات نیز زنان مسلمان در زمان پیامبر اکرم (ص) و ائمه طاهرین، در مشاغل گوناگون همچون تجارت، صنایع دستی، ریسندگی و بافندگی، آرایشگری، خدمات خانگی، اجاره املاک، تولید مواد خوشبوکننده، چوپانی، خیاطی و مانند آنها به عنوان شغل درآمدزا مشغول بوده اند و مورد نهی یا ردعی قرار نگرفته اند به استثنای مشاغل فسادانگیزی مانند: «روسپی گری و آوازخوانی در مجالس گناه».

نقش زن در مقابله با تهاجم فرهنگی

تبادل فرهنگی با تهاجم فرهنگی متفاوت است؛ در تبادل فرهنگی فرهنگها بررسی می شوند و جامعه اسلامی می تواند آزادانه اجزای مطلوب فرهنگ دیگران را بررسی و اجزایی را که مطابق با ارزش های فرهنگ خودی است، انتخاب نماید. چنانچه خداوند می فرماید: قَبَشْرَ عِبَادِي * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْآلِبَاب. اما در تهاجم فرهنگی، مهاجم تلاش می کند با استفاده از ابزارهای لازم با تخریب فرهنگ جامعه، فرهنگ مهاجم را تحمیل و نهایتا جامعه را نسبت به فرهنگ وارداتی تسلیم نماید. مهاجم فرهنگی در جوامع اسلامی تلاش می کند تا با استفاده از ابزارهایی مانند علم و تکنولوژی، تجهیزات پیشرفته تبلیغاتی و هنر، عقاید بنیانی اسلام را زیر سوال ببرد و با احیای خودباختگی، ایجاد انگیزه های قومی، تاریخی و فرقه ای، رواج فرهنگ بی بندوباری، مصرف گرایی و... به طور نامحسوس بر فکر و قلب مسلمانان، بخصوص نسل جوان رخنه کنند. امام خمینی (س) با ایجاد تحولی بنیادین و گسترده در حوزه زنان و دگرگونی در نگرش به شخصیت و نقش زن، به تأثیرگذاری زن مسلمان در تقابل با هجوم فرهنگی می پردازند و در تحلیل فرصتها و تهدیدها، از نقش زنان به عنوان فرصتی مناسب برای مقابله با این پدیده شوم یاد می کنند. در اینجا به برخی از روش های مهاجمین و راههای مقابله با آن اشاره می شود:

الف- مهاجم با استفاده از واژه ها و اصطلاحات پر طرفدار مانند آزادی و تبلیغات گسترده در ترویج معانی مورد نظر خود در اینگونه واژه ها، چنان عمل می کند که گویی معنی تحمیل شده از بدیهیات است و نیازی به تدبر و تفکر ندارد. مثلاً به اسم اینکه

زن را می‌خواهند آزاد کنند به زن ظلمها کردند و او را از آن مقام شرافت و عزت که داشت پایین کشیدند. زنها و جوانان را فاسد الاخلاق کردند. امام در تعریف صحیح آزادی می‌فرمایند؛ اسلام با همه مظاهر تمدن موافق است مگر آنچه که به آسایش ملت لطمه وارد آورد و با عفت عمومی ملت منافات داشته باشد. اسلام با آزادی زن نه تنها موافق است بلکه خود پایه گذار آزادی زن در تمام ابعاد وجودی زن است (نیکویی و ستوده، ۱۳۹۳).

ب- ایجاد فرهنگ خودباختگی؛ آنها تبلیغات کردند تا خانمها را از آن حیثیتی که دارند بیندازند. به نام مُد حیثیتشان را بگیرند و با تغییر مُد آنها نیز تغییر کنند. پس اگر زنان بخواهند مستقل باشند و با هویت ملی خویش شناخته شوند، باید از اینگونه تقلید دست بردارند (نیکویی و ستوده، ۱۳۹۳).

ج- ترویج فرهنگ فرنگی مآبی؛ این روش علاوه بر خودباختگی تحمیل مصرف گرایی و واردات بی حد و حصر اجناس غیر ضروری را نیز بدنال دارد. ابزارهایی مانند مانند رادیو و تلویزیون و فضای مجازی و... در تخریب ملتها، خصوصاً نسل جوان بکار گرفته می‌شود. آنها برای درست کردن بازار کالاها خصوصاً تجملی و تزئینی از هر قماش، از تقلید در ساختمانها و تزئینات و تجملات آنها و تقلید در اجناس نوشیدنی و پوشیدنی و در فرم آنها استفاده می‌کنند، به طوری که افتخار بزرگ فرنگی مآب بودن در تمام شئون زندگی از رفتار و گفتار و پوشش و فرم آن بویژه در خانم ها ظاهر می‌شود. جوانان- زن و مرد- بجای کار و صنعت و تولید و دانش، منحرف و به سوی بیخبری از خویش و شخصیت خود و یا بدبینی و بدگمانی به همه چیز خود و کشور خود هدایت می‌شوند و کالاهای تجملاتی در مقابل ذخائر طبیعی وارد می‌شوند. امام خمینی این فرهنگ را مغایر با تعلیمات انبیا می‌دانند و معتقدند میزان شایستگی در مکتب انبیا، انسانیت، تقوا و علم است و می‌فرمایند: "از برای زن ابعاد مختلفه است؛ چنانچه برای مرد، و برای انسان. این صورت طبیعی نازلترین مرتبه انسان است و نازلترین مرتبه زن است و نازلترین مرتبه مرد است؛ لکن از همین مرتبه نازل، حرکت به سوی کمال است. انسان، موجود متحرک است؛ از مرتبه طبیعت تا مرتبه غیب، تا فنا در الوهیت." با این توضیح ایشان حضرت زهرا - سلام الله علیها- را تحقق تمام جلوه زن می‌دانند زیرا از مرتبه طبیعت حرکت کرده‌اند؛ حرکت معنوی؛ با قدرت الهی، با دست غیبی، با تربیت رسول الله- صلی الله علیه و آله و سلم- مراحل را طی کرده‌اند تا به مرتبه‌ای رسیده‌اند که دست همه از او کوتاه است (نیکویی و ستوده، ۱۳۹۳).

د- مقابله با عفاف؛ مفهوم عفاف در کتب اخلاقی، اعتدال و تهذیب قوه شهویه انسان است. پس حجاب اسلامی حافظ ارزشهای زن و مبارزه علیه حجاب قیام برای نفس است. امام خمینی در مورد زنان می‌فرمایند: "خداوند شما را با کرامت خلق کرده است، آزاد خلق کرده است. خداوند همان طوری که قوانینی برای محدودیت مردها در حدود اینکه فساد بر آنها راه نیابد دارد، در زنها هم دارد. همه برای صلاح شماست. همه قوانین اسلامی برای صلاح جامعه است. آنها که زنها را می‌خواهند ملعبه مردان و ملعبه جوانهای فاسد قرار بدهند خیانتکارند. زنها نباید گول بخورند؛ زنها گمان نکنند که این مقام زن است که باید بزرگ کرده بیرون برود با سر باز و لخت! این مقام زن نیست؛ این عروسک بازی است (نیکویی و ستوده، ۱۳۹۳).

ایشان معتقدند، حجاب اسلامی برای حفظ ارزشهاست. هرچه را که خدا دستور فرموده است - چه برای زن و چه برای مرد - برای این است که، آن ارزش های واقعی که اینها دارند و ممکن است به واسطه وسوسه های شیطانی یا دستهای فاسد استعمار و عمال استعمار پایمال شوند، این ارزشها زنده بشود.

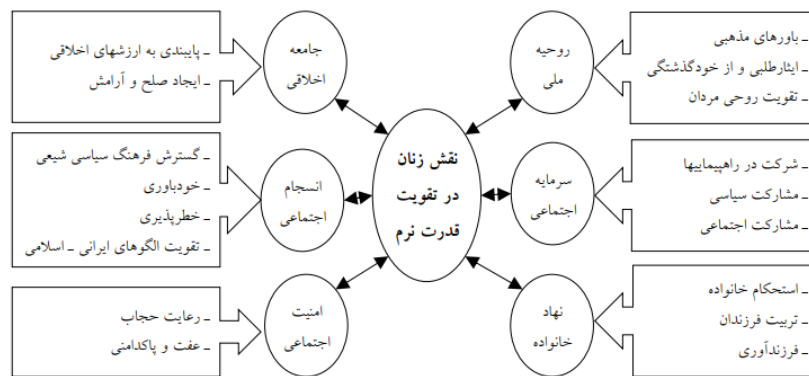
ه- تبلیغات سوء علیه اسلام؛ آنها تبلیغات کرده‌اند که اسلام عامل عقب‌ماندگی زنان است و می‌گویند بنا بر نظر اسلام، زنها باید توی خانه‌ها بنشینند و یک قفلی هم درش بزنند بیرون نیابند! این حرف غلطی است که به اسلام نسبت می‌دهند. زنان در همه مقدرات اساسی کشور حق دخالت دارند. در صدر اسلام زنها توی لشکرها بودند؛ توی میدانهای جنگ می‌رفتند. در زمان پیغمبر اسلام که زنها را هیچ حساب می‌کردند، اسلام زنها را قدرت داده است. اسلام زنها را در مقابل مردها قرار داده؛ نسبت با آنها تساوی دارند (نیکویی و ستوده، ۱۳۹۳).

و- محروم کردن کشورهای اسلامی از پیشرفت؛ مهاجمان در طول تاریخ و در سده‌های اخیر مسلمانان را از هر پیشرفتی محروم کرده‌اند. امام می‌فرمایند: "مراکز تبلیغاتی علیه دستاوردهای خودی و نیز خود کوچک‌دیدنها و یا ناچیزدیدنها، مانع هر فعالیتی برای پیشرفت شد. واردات کالاهای غیر ضروری و سرگرم کردن بانوان و مردان خصوصاً طبقه جوان، به اقسام اجناس وارداتی از قبیل ابزار آرایش و تزئینات و تجملات و بازیهای کودکان و سرگرم کردن و به تباهی کشاندن جوانها که عضو فعال هستند با فراهم آوردن مراکز فحشا و دهها از این مصایب حساب شده، برای عقب نگه‌داشتن کشورهاست. ایشان معتقدند اگر

جامعه زنان، از غفلت و خواب مصنوعی که از جانب چپاولگران بر آنان تحمیل شده است، برخیزند و همگان دوش به دوش هم به داد بازی خوردگان برسند. و زن را به مقام والای خود، هدایت کنند. جامعه اصلاح می‌شود و کشور به آزادی و استقلال می‌رسد (نیکویی و ستوده، ۱۳۹۳).

نقش بانوان در تقویت قدرت نرم از دیدگاه امام خامنه ای (مدظله العالی)

جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست گذاری و تصمیم سازی در جهت توسعه کشور به قدرت نرم و مؤلفه های آن توجه داشته است. چشم انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران، سندی است که برای اولین بار در تاریخ سیاست گذاری های کلان جمهوری اسلامی ایران پس از طی فرایندی از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام با به کارگیری ده ها نفر از خبرگان و کارشناسان تهیه و به تصویب رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران رسید و به دولت ابلاغ شد. براساس چشم انداز ۱۴۰۴ ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل مؤثر در روابط بین الملل. بدیهی است اهداف سند چشم انداز بدون توجه به مؤلفه های اجتماعی دست نیافتنی نخواهد بود که تحقق آنها ارتباط مستقیمی با دیگر ابعاد توسعه خواهد داشت (پیروسی و شیرخانی، ۱۳۹۸).



شکل ۲- الگوی نقش زنان در تقویت قدرت نرم براساس آراء و نظرات امام خامنه ای (مدظله العالی)

نقش مادری، تربیتی، انسان سازی و تأثیرگذاری زن در مقابله با جنگ نرم

مهمترین وظیفه زن مسلمان و زن ایرانی شناخت جایگاه والای خود به عنوان زن و مادر و نقش کلیدی و تربیتی در خانواده و جامعه می‌باشد که اگر زنان و دختران جامعه جایگاه والای خود را بشناسند قطعاً نقشه‌های شوم دشمنان در جنگ نرم و تهاجم فرهنگی نقش بر آب خواهد شد.

یکی از حربه های جنگ نرم دور کردن زنان از نقش مادریشان است. زیرا جایگاه مادری یک جایگاه تربیتی و در عین حال مرکز مهر و محبت است. در واقع معدنی ست که باید نخست خود را معرفی کند تا بفهمند چنین معدنی وجود دارد و از سوی دیگر اینکه فرزندان باید از این معدن بهره ببرند و با این کار به خود بها دهند. جایگاه مادری جایگاه محوری ست چراکه سازنده است (قربی، ۱۳۹۵). همان گونه که امام راحل بیان داشتند زن کارخانه آدم سازی ست. فرزندان به دلیل ارتباط تنگاتنگ خود با مادر او را الگو قرار می دهند و به برخورد، بینش و نوع نگاه مادر به زندگی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی توجه می کنند تا مشاهده کنند که مادر چگونه عمل می کند. خط تولید انسانهای برومند، سلحشور و مجاهد در دستان پرتوان مادر است. مادر نقش تربیتی غنی دارد که باید فرزندان را اقناع کند، ابهامات را روشن و مجهولات را برای فرزندان معلوم نماید. مادر در دوران هفت ساله نخست زندگی کودک که دوران شکل گیری شخصیت اوست نقش اساسی ایفا می کند و هدایت گر و راهبر است. اما اگر نقش تربیتی مادر در این ارتباط کم رنگ و یا بی رنگ باشد جهان ارتباطات فرزندان را می بلعد. مادر باید در برقراری ارتباط قوی باشد و به آنچه می گوید عمل کند تا فرزندان نیز بیاموزند. در واقع مادر باید نخست خود عامل باشد تا آنچه منتقل می کند مؤثر و صریح باشد. اگر در آن دوران هفت سال مادر نقش خود را خوب ایفا کند به گونه ای که ارتباطش با فرزندش مخدوش نگردد در این صورت است که وسایل ارتباطی با تمام قدرت و توان اثرگذاریش نمی تواند بیشتر از مادر نقش آفرینی

کند. رابطه مادر با فرزندان و اثرگذاری در واقع ۱۰۰ درصد است. اگر جایی فرزند به خطا می رود حرکت الگویی مادر ضعیف بوده است. مادر باید به فرزند خود گفتن نه را آموزش دهد تا فرزند یاد بگیرد که باید گاهی در مقابل الهه های شیطانی نه گفته و بله را تنها به پروردگار خود بگوید (قربی، ۱۳۹۵).

در جنگ نرم یکی از حربه های مورد استفاده دشمن دور کردن زن از نقش مادری اش است و سرلوحه جنگ نرم حمله همه جانبه به خانواده و به ویژه شخصیت تأثیرگذار مادر است. شخصیتی که حیطة قدرت تأثیرگذاری اش در دو حیطة قدرت تحمل و قدرت تحول انسان است.

نقش اخلاقی و بازدارنده زن در ترویج فساد ناشی از جنگ نرم

یکی از بهترین حربه های دشمن در جنگ نرم، ترویج فساد از ناحیه بی حجابی است. از پدیده بدحجابی، خود آرایی و خود نمایی زنان و دختران که در اجتماع حاضر می شوند به عنوان یکی از ابزارهای جنگ نرم دشمن می توان نام برد که این زنان و دختران با این عمل خود، یکی از اصول دین را خدشه دار می کنند و باعث گسترش بدحجابی می شوند که این خواسته دشمنان اسلام و استعمار پیر است.

اهمیت کارکردهای خانواده و نقش فرماندهی زن در حفظ بنیان خانواده

خانواده به منزله اصلی ترین واحد سازنده تمدن و جامعه اسلامی می باشد. و دشمن به دنبال آن است که با استحاله مدل خانواده، به سبب تغییر سبک زندگی اسلامی به سبک زندگی غربی، خانواده را از مسیر کارکردهای خود منحرف ساخته تا بدین وسیله جامعه را از مسیر اسلامیت خارج نماید. که عدم وجود جامعه اسلامی، مانع از بر سرکارآمدن دولت اسلامی می شود و به این ترتیب استحاله جامعه اسلامی، استحاله دولت اسلامی را در پی داشته و پس از استحاله نظام اسلامی، پدیده انقلاب اسلامی منجر به شکست شده و کارآمدی انقلاب اسلامی را در اذهان جهانیان باطل می نماید (قربی و حیدری، ۱۳۹۶).

با این تحلیل در واقع تنگه احد جنگ نرم، خانواده است و استراتژی «خانواده زدایی» از جمله مهمترین و کارآمدترین راهبردهای تحقق امپراتوری و دهکده جهانی دانسته شده است تا جایی که روسای سلطه در این راستا، جهانی سازی سبک زندگی آمریکایی را مورد توجه ویژه قرار داده و از آن به عنوان مهمترین استراتژی اجتماعی جهانی سازی یاد نموده و بودجه های کلانی را در این راستا به تصویب رسانده اند. رد پای این اعتبارات در تأسیس و تولیدات رسانه ها و ماهواره های بیگانه مانند شبکه های من و تو و فارسی وان، و همچنین در فضای سایبر به وضوح به چشم می خورد.

این مطلب که امروز دشمن در میان فرایندهای پیچیده، پر مسئله و تکنیکال جوامع بشری، تمام تلاش خود را پیرامون استحاله خانواده متمرکز نموده است و البته به جهت نقش محوری زنان در نظام خانواده، اولویت برنامه ریزی خود را در این محور قرار داده است، ضمن رمز گشایی از مختصات خیمه فرماندهی دشمن، منجر به کشف استراتژی وی می گردد که البته در هر جنگی اعم از سخت یا نرم، این کشف نیمی از پیروزی تلقی شده و نیم دیگر پیروزی در سایه استراتژی مقابله حاصل می گردد. آنچه که به نظر می رسد با هجمه دشمن مسئله خانواده دستخوش آسیب هایی شده است که باید مورد توجه قرار گیرد و آن عبارت است از: ۱- کم رنگ شدن اهمیت تشکیل خانواده ۲- استحاله کارکردهای خانواده ۳- عدم برخورداری خانواده از استمرار و استکمال کافی (افزایش نرخ رشد طلاق و کاهش نرخ رشد ازدواج).

ترویج بدحجابی و اشاعه بی بند و باری در میان زنان که ستون اصلی خانواده ها هستند، مهم ترین هدف دشمنان در جنگ نرم است، دشمن می خواهد با ترویج بدحجابی در میان زنان و منحرف کردن افکار مردان به سمت مسائل غیراسلامی ارزش های دینی ما را خدشه دار کند. زنان مسلمان ایران با حضور همیشگی خود در عرصه های مختلف مبارزه با دشمنان اسلام در قبل و بعد از انقلاب به دشمنان ثابت کرده اند که برای حفظ ارزش های اسلام و انقلاب تا پای جان آماده هستند، اگر امروز دشمنان ایران اسلامی جرأت حمله نظامی به کشور ما را ندارند به خاطر ایثار و از خودگذشتگی زنان و مردان این مرز و بوم است. زنان ایران اسلامی با حضور همیشگی خود در عرصه های مختلف نشان دادند که نقش بسزایی در سرنوشت جامعه دارند. حقوق زنان بعد از ظهور دین مبین اسلام بار دیگر با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به منصفه ظهور رسید. وجود چنین برکتی وظیفه زنان

ایران اسلامی را بسیار سنگین و سرنوشت‌ساز کرده است، این وظیفه زنان مسلمان این مرز و بوم است که با درک درست از جایگاه و منزلت خود در راستای حفظ این ارزش‌ها گام بردارند (گلشن پژوه و ژانت، ۱۳۸۸).

حقوق زن در روند جهانی شدن

بعد از سلطه قدرت‌های بزرگ بر منابع اقتصادی و سیاسی جهان آنچه بعنوان یک نیازمندی بویژه پس از جنگ جهانی دوم خود را نشان داد تدوین یک سری قوانین و خطوط جهانی بود که بواسطه آن بتوان نظم و چارچوبی را بر کشورهای جهان حاکم کرد زیرا بیم آن می‌رفت که با تراحم قدرتهای بزرگ در شرق و غرب هرآن حیات بشری دچار تهدید جدی و جبران ناپذیری گردد. لذا تشکیل سازمان ملل متحد همزمان با پایان یافتن جنگ جهانی دوم نقطه عطفی در تاریخ روابط دولتها بود. ضرورت هماهنگی فرا منطقه‌ای و اتخاذ سیاستهای هماهنگ در جامعه بین الملل این سازمان جهانی را در جایگاه مدیریت نظام بین الملل قرار داده است و در راستای اعمال این مدیریت، تدوین معاهدات بین المللی نقشی مهم و اساسی در تنظیم رفتارهای جامعه جهانی و حرکت به سمت نظم واحد ایفا می‌نمود (حبی و همکاران، ۱۳۸۹).

به هر حال جامعه جهانی خود را نیازمند به وضع یکسری قواعد و قوانین جهانی می‌دید که می‌توانست مایه امیدواری بسیاری ملتها باشد. اما آنچه از عملکرد این معاهدات بین المللی و به ویژه ناظران و متولیان و نوع پیگیری آنها در برابر کنوانسیونها و معاهدات بر جای مانده، این بود که علیرغم اینکه می‌توانستند نقطه تسلی برای بشر باشند به نقاط تسلط بر بشر تبدیل شدند و عملاً منشورها و قواعد معاهدات بین المللی حقوق بشر و کنوانسیون رفع تبعیض از زنان تا کنوانسیون حقوق کودک به حربه‌ای برای افکار سازی جهانی در یک دهکده جهانی به نفع قدرتهای بزرگ تبدیل شدند و ابزار توجیه آنها برای ابعاد تسلط شان گردید (بورباچ، ۲۰۱۹).

این معاهدات با هدف همگرایی جهانی بین سیاست‌ها، سرمایه‌ها، و نیروهای انسانی در جهان مطرح شد و در بسیاری از موارد مفاد و محتوایش حاوی خطوطی بود که انهدام فرهنگها و قوانین و سنن کشورها را در برداشت و در مواردی هم که خالی از اشکال بود مصداق کلمه الحق یُراد بها الباطل بود که حرف حقی با اراده باطل بکار گرفته می‌شد و صرفاً قصدشان اهداف غیر خیر خواهانه و غیر انسانی بود.

موضوع کنوانسیون رفع تبعیض از زنان که به دنبال شکل‌گیری جنبشهای دفاع از حقوق زن و فمینیست شکل گرفت که به عنوان مهمترین سند سازمان ملل متحد پیرامون زنان در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. این معاهده در ۳۰ ماده تنظیم شده که از جامعه جهانی می‌خواهد با یک نگاه جهانی به زن او را در فرصتهای برابر در قبال مرد در خانواده و محیط اجتماعی قرار دهد. ۴۰ به دنبال آن ۴ کنفرانس جهانی با هدف یکسان کردن قوانین و مقررات حاکم بر زنان در کشورهای مختلف تشکیل شد که عبارتند از: کنفرانس مکزیکوسیتی (۱۹۷۵) - کنفرانس کپنهاگ (۱۹۸۰) - کنفرانس نایروبی (۱۹۸۵) - کنفرانس پکن (۱۹۹۴) که البته طرفداران آن با اعتقاد به اینکه سوای تفاوت‌های زیستی یا بیولوژیک بین زن و مرد با تعریفی اجتماعی دارد که جامعه به زنان و مردان با توجه به فرهنگ و سنت اطلاق کرده به شدت به دنبال فرصتهای برابر با مردان هستند.

مدعیان پذیرش اسناد بین الملل بر این باورند که با این الحاق گام مهم در روند و فرایند شکل‌گیری قوانین یکسان و هماهنگ در سطح جهانی برداشته می‌شود زیرا امکان ندارد کشوری بدون نیاز از کشورهای دیگر بتواند زندگی کند و هرگونه تعاملی با جهان اطراف، وقتی امکان پذیر است که در نظام واحد جهانی مطرح باشد و تنها چیزی که می‌تواند ظرف این تعامل باشد پذیرش کنوانسیون است. حتی در جریان همه گیر شدن حقوق در جهان عده‌ای می‌گویند: «در قصه حقوق بشر ما به یونیورسالیسم (انگاره‌های عام و همه شمول) احتیاج داریم یعنی باید یک حقوق مبنایی عام را برای همه آدمیان به رسمیت بشناسیم و الا حقوق بشر با نفی حقوق بشر مساوی است...» (سینگلو و همکاران، ۲۰۱۲).

و این در حالی است که طرفداران توسعه اصرار دارند زنان از هر فرصتی با دیدگاههای سنتی مخالفت ورزند و به دولتها بقبولانند که بدون حضور آنها انتقال قدرت و توسعه متوازن ممکن نیست تا دستیابی به اهداف کنوانسیون که خواست قلبی زنان

⁷ Burbach

⁸ Cinoglu

جهان است تأمین شود. امروزه تلاش می شود که کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان به عنوان معتبرترین معیارهای بین المللی برای رفاه زنان به سراسر جهان تحمیل شد تا جایی که در بند ۳۹ بخش دوم اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین در سال ۱۹۹۳ آمده «سازمان ملل باید دولتها را به پذیرش کنوانسیون تشویق کند به گونه ای که تا سال ۲۰۰۰ تمامی دولتها کنوانسیون را تصویب کنند.» و این در حالی است که بسیاری از مواد این کنوانسیون با حدود ۹۰ مورد از احکام و قوانین داخلی و فقه اسلامی و بسیاری از ارزش های اخلاقی و ملی کشورمان در تضاد کامل است و مورد انتقاد جمع کثیری از علما و اندیشمندان بویژه رهبر معظم انقلاب قرار گرفته است. مواد این کنوانسیون بیش از آنکه به ارتقای وضعیت حقوقی و اجتماعی زنان در کشورهای مختلف یاری رساند به تحقق آرمان سردمداران نظام سلطه جهانی برای همسان سازی فرهنگ و از بین بردن ارزشهای اخلاقی و مذهبی حاکم بر کشورهای غیر غربی کمک می کند. در همین راستا بارها و بارها رهبر فرزانه انقلاب فرمودند: حرکت در جهت احقاق حقوق زنان در جامعه اسلامی و در جامعه ما حتما باید انجام بگیرد منتها بر مبنای اسلامی و باهدف اسلامی.

راهکارهای دستیابی به الگوی مطلوب حضور زنان در اجتماع

آمارها و پژوهش های متعدد حاکی از آن است که امروزه پتانسیل های زنان در اجتماع افزایش یافته است؛ به عنوان مثال، افزایش تحصیلات دانشگاهی زنان و از طرف دیگر افزایش اشتغال زنان و حمایت های اقتصادی از خانواده، منجر به افزایش تحرک پذیری مکانی و حضور در فضاهای عمومی، تشکلهای و انجمن ها شده است و این بستر، نوع نگرش زنان به جامعه را همسو با نوگرایی و مدرنیته تغییر داده است. در حال حاضر جامعه ما زنان موفق را در حوزه های مختلف علمی، دانشگاهی، کسب و کار، کارآفرینی و مناصب مدیریتی به خدمت می گیرد. وبر معتقد است مشخصه انتقال از جامعه پیش صنعتی به جامعه صنعتی عقلانی شدن فراگیر تمام حوزه های جامعه است که تغییر از "ارزش های سنتی و عموماً مذهبی" به سمت ارزش های عقلانی را در زندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به دنبال خواهد داشت. به منظور ارائه الگوی مطلوب حضور زنان در اجتماع نیازمند راهکارهایی هستیم که این موارد شامل:

- توجه به تغییرات موجود در جامعه

امروزه رویکردی که باید نسبت به زنان وجود داشته باشد باید رویکردی اسلامی و سازگار با وضعیت جامعه صنعتی باشد، به این معنی که این رویکرد باید آرمان های اسلامی را در برداشته باشد با این منطق که بتواند با نیازهای یک جامعه در حال توسعه سازگار باشد. معنای این رویکرد این است که یک رویکرد سنتی صرف نیست، همچنین در این رویکرد الگو برداری از وضعیت زنان در جامعه صنعتی هم نیست و آن رویکردی از اسلام است که بتواند تلفیقی از اینها را در بر داشته باشد و آن تلفیق، باید ویژگیهای زیر را داشته باشد: عدالت محور باشد، کرامت انسانی زن در جامعه را لحاظ کند، زن را به عنوان یک انسان توانمند، مسئول، مشارکت جو و اثر گذار در همه عرصه های زندگی، چه در حال حاضر و چه در آینده در نظر بگیرد.

- سیاستگذاری مورد وفاق

یکی دیگر از پیش نیازهای فعالیت در حوزه زنان، لزوم اجماع و سیاست گذاری مورد وفاق در میان مدیران، سازمانها و ارگان های مختلف در فرایند تصویب یک طرح تا مرحله نهایی اجرای آن است؛ زیرا تضاد آرا و نگرش های متفاوت و تغییر مداوم سیاست ها موجب می شود تا برنامه های مورد نظر به نتیجه مطلوب منتهی نشود و در عمل با شکست مواجه شود و همچنان سیاست ها در سطح کلان باقی بماند.

- تعامل نهادهای مختلف

یکی از چالش های جدی در عقیم ماندن و به ثمر نرسیدن فعالیت ها و برنامه هایی که با هدف سیاست گذاری و یا کاهش آسیب ها انجام می شود، موازی کاری و عدم همکاری ارگان های مختلف در کشور می باشد. حال آنکه با تقسیم وظایف و همکاری، می توان اقدامات موثر و فعالانه تری برای آسیب دیدگان انجام داد.

- عدم خنثی سازی فعالیت ها

یکی دیگر از نکات مهم برای رسیدن به اهداف مهندسی فرهنگی عدم خنثی سازی فعالیت ها و سیاست های کلان در سطح اجرایی می باشد.

- نظارت دولت

یکی دیگر از پیش نیازهای مهندسی فرهنگی، وجود نظارت بر دستورالعمل‌ها و برنامه‌هایی است که در حوزه مهندسی فرهنگی تنظیم شده است. البته باید به این نکته توجه داشت که دخالت مستقیم در امر سیاست‌گذاری سازوکار اجتماعی و خود تنظیمی جامعه را برهم می‌زند.

نتیجه‌گیری

پس از انقلاب صنعتی و وقوع نوگرایی و انقلاب مدرنیته در جهان، پدیده‌های اجتماعی دستخوش دگرگونی اساسی گردید؛ در این میان حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی نیز بواسطه تغییر نقش‌های سنتی و جدا شدن محیط کار از زندگی، برجسته شد. تجربه زیستن زنان در فضاهایی عمومی، تحولات اساسی را برای جوامع ایجاد نمود. در همان راستا، در کشور ما توجه به حوزه زنان و خانواده در نقشه مهندسی فرهنگی، مورد توجه و تأکید قرار گرفت. در بحث فرهنگی حضور زنان در اجتماع، ابتدا با مراجعه به آیات و روایات اسلامی، حوزه نقش‌آفرینی زن در عرصه‌های خصوصی (خانواده) و در عرصه‌های عمومی (فعالیت‌های اجتماعی) مورد تحلیل قرار گرفت. مروری بر اندیشه‌های اسلامی نشان می‌دهد که در کنار ارزش‌های والای همسری و مادری برای زنان، کسب درآمد و استقلال اقتصادی به رسمیت شناخته شده است. بنابراین اگرچه براساس دیدگاه کارکردگرایی و نظریه پارسونز زنان باید تنها ایفاگر نقش عاطفی در خانه باشند اما اندیشه اسلامی با این دیدگاه کارکردگرایانه که اعطای فرصت‌های برابر برای هر دو جنس با انسجام مثبت خانواده ناسازگار است، توافق ندارد. بنابراین، در طراحی الگوی مطلوب حضور زنان در جامعه نباید با نگاه ایده‌آلیستی و فارغ از دغدغه وضعیت فرهنگ موجود به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری بپردازیم. زیرا براساس دیدگاه تعامل‌گرایی انسان‌ها و جامعه از یکدیگر اثرپذیری متقابل دارد و تجربه زیسته زنان در فرایند جهانی شدن، نوگرایی، عرضه فرهنگ غربی در رسانه‌ها و حتی آموزش‌های رسمی و غیررسمی ملی بر تغییرات نگرشی و رفتاری آن اثرگذار است و هویت آنان را بازسازی و شکل می‌بخشد. در واقع مسئله تجددگرایی و تأثیر آن بر سطوح سرمایه فرهنگی و اجتماعی خانواده ایرانی ناشی از یک رابطه تعاملی دیالکتیکی است که در این ارتباط بعضاً انسان‌ها یا مختارند و یا تا حدی متأثر از شرایط جامعه می‌شوند و نه جبر و به گفته اینگلهارت "فرایند مدرنیته و تجددگرایی، جهان سنتی را که در آن زندگی معنایی روشن دارد متلاشی می‌کند. در ادامه به راهکارهای مرتبط می‌پردازیم:

- اتخاذ یک رویکرد واقع‌بینانه و اسلام‌گرایانه از حضور زنان در جامعه
- اتخاذ رویکرد زبان‌گاهی نه ریشه‌کنی حضور زنان در جامعه
- حمایت از زنان برای دسترسی به عدالت و سایر خدمات برای گذر از شرایط گذشته و شروع زندگی جدید
- توانمندسازی چندبعدی زنان جهت ایفای نقش موثر در جامعه و کاهش آسیب‌سازی احتمالی
- تأمین امنیت زنان در فضاهای شهری
- تقویت تشکلهای مدنی و جلب مشارکت زنان در جامعه
- تربیت کارشناسان متخصص در امور زنان دارای نگرش‌های جنسیتی
- تقویت ظرفیت‌های پژوهش و مطالعات راهبردی در مورد زنان

منابع:

۱. ابوالحسنی، خسرو و نجاتی منفرد، علیرضا (۱۳۹۰)، قدرت نرم و سرمایه نرم اجتماعی در سند چشم‌انداز، فصلنامه مطالعات نرم: ۲۰۸-۱۷۳.
۲. احمدی، محمدرضا؛ تکاوران، سامان؛ تکاوران، سامان و تکاوران، اکرم. (۱۳۹۴). تهاجم فرهنگی و شیوه‌های مقابله با آن. کنفرانس ملی چارسوی علوم انسانی.
۳. اشکیان، شهناز (۱۳۹۵)، تأثیر مشارکت زنان در دفاع مقدس بر زندگی و مشارکت‌های اجتماعی آنان پس از جنگ، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

۴. افتخاری، اصغر (۱۳۸۹)، چهره‌های قدرت، گذار از سخت افزارگرایی به نرم افزارگرایی، در: قدرت نرم، تألیف جوزف نای، ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۵. امام خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲)، بیانات، دیدار جمعی از بانوان فرهیخته، بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۲۱.
۶. پیروسی، معصومه، و شیرخانی، علی. (۱۳۹۸). نقش زنان در تقویت قدرت نرم از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله العالی) با تأکید بر مولفه های اجتماعی. آفاق امنیت، ۱۲ (۴۴)، ۶۷-۱۰۰. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=541564>
۷. توسلی، غ. ع. و ی. م. قاسمی. (۱۳۹۳). «هویت‌های جمعی و جهانی شدن»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۴، ص ۱-۲۶.
۸. حبی، ا.، فتحی‌زاده، ا. و ب. محمدبخش. (۱۳۸۹). «جهانی شدن و هویت‌های محلی و جهانی دانشجویان: مطالعه موردی دانشگاه تبریز»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، ش ۲، ص ۱۰۱-۱۲۱.
۹. خواجه‌نوری، زبیا. (۱۳۹۴). نقش زنان در توسعه فرهنگی، دومین کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم، <https://civilica.com/doc/548347>.
۱۰. خواجه نوری، بیژن و پرنیان، لیلا. (۱۳۹۴). مطالعه رابطه جهانی شدن فرهنگی و هویت اجتماعی (مطالعه موردی: زنان شهر کرمانشاه). جامعه شناسی کاربردی، دوره ۲۶، شماره ۱، ۸۴-۶۵.
۱۱. خواجه نوری، بیژن، پرنیان، لیلا و همت، صغری. (۱۳۹۲). جهانی شدن فرهنگی و نگرش مردان به نقش زنان (مطالعه موردی مردان شهر شیراز). نشریه زن و فرهنگ و هنر. شماره ۳.
۱۲. دهقانی، رضا و کیوانی، فاطمه. (۱۳۹۶). آسیب شناسی تهاجم فرهنگی و مهندسی هویت قومی، ملی و اسلامی در مقابله با آن. اولین همایش ملی جریان شناسی فرهنگی در عرصه بین المللی.
۱۳. رضایی، لیلا و اجدادی، زهراسادات. (۱۳۹۶). نقش زنان در کاهش آسیب های فرهنگی و اجتماعی و مقابله با تهاجم فرهنگی. اولین همایش ملی زنان بازآفرینی شهری و توسعه پایدار.
۱۴. غلامی نژاد، فهیمه. (۱۳۹۵). واکاوی نقش و جایگاه زنان در توانمند سازی معنوی و توسعه فرهنگی از منظر قرآن کریم با تأکید بر آیه ۳۵ سوره احزاب. چهارمین کنفرانس بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی.
۱۵. فلاح، محمد و رفیع، حسین. (۱۳۹۵). تهاجم فرهنگی و راهکارهای مقابله با آن از سوی زنان، نخستین کنگره بین المللی جامع علوم سیاسی ایران، <https://civilica.com/doc/635778>.
۱۶. قربی، محمدجواد (۱۳۹۵)، بررسی مؤلفه‌های تأمین‌کننده امنیت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پایه پیشرفت.
۱۷. قربی، محمدجواد و حیدری، منصور (۱۳۹۶)، نقش همدلی در استحکام ساخت درونی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران، سیاست دفاعی، ۲۵ (۹۸): ۱۲۵ - ۸۳.
۱۸. گلشن‌پژوه، محمدرضا و ژانت، بلیک (۱۳۸۹)، قدرت نرم، تهدید نرم؛ پیشنهادی در راستای سیاست‌سازی، فصلنامه راهبرد، ۱۹ (۵۵): ۱۳۷ - ۱۲۳.
۱۹. نیاکویی، امیر و ستوده، علی‌اصغر (۱۳۹۳)، ماهیت رویارویی نرم غرب با انقلاب اسلامی ایران در روند انقلاب‌های عربی (۲۰۱۱ - ۲۰۱۴)، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۳ (۴): ۸۰ - ۶۵.
۲۰. نیکنامی، رکسانا (۱۳۹۸)، جایگاه دیپلماسی علم و فناوری در شکل‌دهی به قدرت نرم (مطالعه موردی: اتحادیه اروپا)، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۹ (۲): ۵۸۵ - ۵۶۱.

منابع:

1. Abuolhassani, Khorshid, & Najati Monfar, E. R. (2011). Soft Power and Social Soft Capital in the Vision Document. Journal of Soft Studies, 208-173. (In Persian)
2. Ahmadi, Mohammad Reza; Takavarans, Saman; & Takavarans, Akram. (2015). Cultural Invasion and Its Countermeasures. National Conference on Humanities Sciences. (In Persian)
3. Ashkian, Shahnaz. (2016). The Impact of Women's Participation in Sacred Defense on Their Life and Social Contributions After the War (Master's Thesis), Islamic Azad University, Central Tehran Branch. (In Persian)

4. Afkhari, Asghar. (2009). From Hardware to Software Power: An Interpretation of Joseph Nye's Concepts. In *Soft Power*, translated by Mohsen Rahiani & Mehdi Zolfagharifard, pp. 36–46. Tehran: Imam Sadig University. (In Persian)
5. Khamenei, Seyed Ali. (2013). Speeches. Retrieved from <http://www.khamenei.ir/en/speech> [Date accessed: 21 February 2013]. (In Persian)
6. Pirouzi, Masomeh & Shirkhani, Ali. (2019). Women's Role in Strengthening Soft Power: A Perspective from Ayatollah Khamenei. *Security Horizons*, 12(44), 67-100. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=541564> (In Persian)
7. Tolsi, G.E., & Y.M. Qasemi. (2014). 'Collective Identities and Globalization', *Social Science Letter*, 24, 1-26. (In Persian)
8. Habibi, A.; Fathezad, A.; & B. Mohebdivan. (2009). 'Globalization and Local and Global Students' Identities: A Case Study at Tabriz University', *Cultural Research Quarterly*, 3rd Series, 2(2), 101-121. (In Persian)
9. Khoajou, Ziba. (2015). The Role of Women in Cultural Development. *International Congress of Religious Thought and Culture*, Qom. (In Persian)
10. Khojeni, Beizhan & Parnian, Lila. (2015). A Study on the Relationship between Cultural Globalization and Social Identity (Case study: Women in Kermanshah City). *Applied Sociology*, 26(1), 65-84.
11. Khojeni, Beizhan; Parnian, Lila; & Hegmat, Saghir. (2013). Global Culturalization and Men's Attitudes toward Women's Roles (Case study: Men in Shiraz city). *Journal of Woman and Art and Culture* No. 3. (In Persian)
11. Dehnavi, Reza & Keyvanian, Fatima. (2017). Cultural Assaults and National, Ethnic, Islamic Identity Engineering as a Countermeasure. *First National Conference on Cultural Studies in the International Arena*. (In Persian)
12. Rezai, Leila & Agdadi, Zahrasadat. (2017). Women's Role in Mitigating Cultural and Social Harms and Fighting Cultural Invasion. *First National Congress for Urban Women Regeneration and Sustainable Development*. (In Persian)
13. Ghlamy Nezhad, Fahimeh. (2016). Exploring Women's Role in Spiritual Empowerment and Cultural Development According to Quranic Perspectives with Emphasis on Verse 35 of Surah Al-Anfal. *Fourth International Conference on Religion and Political Thoughts*. (In Persian)
14. Fallah, Mohammad & Rafiee, Hossein. (2016). Cultural Invasion and Its Solutions from Women's Perspective, *First International Comprehensive Scientific Congress of Iran's Political Sciences*, <https://civilica.com/doc/635778>. (In Persian)
15. Ghorbi, Mohamed Javad (2016) . Determining Factors in Providing Cultural Security in Islamic Republic of Iran. *Fifth conference on Muslim Iranian Progressive Model; Basic Model of Progress*. (In Persian)
16. Ghorbi, M. J., & Haydari, M. (2017). The role of empathy in strengthening internal national power in the Islamic Republic of Iran. *Defense Policy Review*, 25(98): 125–83. (In Persian)
17. Golshenashoosar, Mohammadreza & Jane, Blake (2009). Soft Power vs Soft Threat: A Proposal for Policy Making. *Strategy Quarterly*, 19(55): 137–123. (In Persian)
18. Nikkouyi, Amir & Setudeh, Ali Asghar (2014). Nature of Western Soft Confrontation with Islamic Revolution of Iran in Arab Revolts Process (2011-2014). *Research Paper on Islamic Revolution*, 3(4): 80 – 65. (In Persian)
19. Niknamii, Raksanah (2018). The Role of Science and Technology Diplomacy in Shaping Soft Power (Master's Thesis), University of Tehran, Faculty of Law and Political Sciences Journal, 49(2): 585 - 561. (In Persian)
20. Berglez, P. & Olausson, U. (2011) "Intentional and Unintentional Transnationalism: two Political Identities Repressed by National Identity in the News Media", *National Identities*, vol.13, No.1, P 35 - 49.
21. Burbach, R. (2009) *Globalization and its discontents: The rise of postmodern socialism*, London: Pluto, PP: 14-15.
22. Cinoglu, H. & Arikan, Y. (2012) "Self, Identity and Identity Formation: From the Perspectives of Three Major Theories", *International Journal of Human Sciences*, vol. 9,2, P. 1114-1131.
23. Huu Chen, S. & et al. (2012) "Ethnic Identity and Career Aspiration of the Taiwanese Indigenous Students in the Era of Globalization", *Asian Social Science*, N. 8(10), P. 23-28.

24. InGunek, Abdulsamet (2018), "A New Type of Soft Power: Country Branding", International Journal of Cultural and Social Studies, 0(1)
25. Ongur, H.O. (2010) "Towards a Social Identity of Europe? A Social Psychological Approach to European Identity Studies", Reviews of European Studies, N. 2(2), P. 133-143.
26. Purushothaman, Uma, (2010), "Shifting Perceptions of Power: Soft Power and India's Foreign Policy", Journal of Peace Studies, Vol. 17, Issue 2&3, April-September
27. Smith, P. (2010) Globalization, citizenship and technology: the MAI meets the internet. Paper for the 41st annual convention of the international studies association Los Angeles, 14-18 march, P 12-27.